

درس نهمه: آموزه ششم: پرورده عشق



1- چون رایت عشق آن جهانگیر / شد چون مه لیلی آسمان گیر

قلمرو ادبی: قالب: مثنوی / وزن: مفعول مفاعیلن فاعولن (رشته انسانی) / رایت عشق: اضافه تشبیهی / «چون» نخست و دوم: جناس همسان / چون مه لیلی: تشبیه / مه: استعاره از جمال و کمال لیلی / آسمان گیر: کنایه از پرآوازه / موقوف المعانی / درون مایه شعر: سختی‌های عشق

2- هر روز خنیده نام‌گر گشت / در شیفتگی تمام تر گشت

قلمرو ادبی: واج آرای: «ر» / گشت: واژه آرای، ردیف / جناس: هر، در

3- برداشته دل ز کار او بخت / درمانده پدر به کار او سخت

قلمرو ادبی: بخت دل ز کار او برداشته: جانبخشی، کنایه از ناامید شدن / بخت، سخت: جناس / واژه آرای: کار، او

4- خویش‌ان همه در نیاز با او / هر یک شده چاره‌باز با او

قلمرو ادبی: ردیف: واژه آرای: با او

5- بیچ‌ارگی ورا چو دیدند / در چاره‌گری زبان کشیدند

قلمرو ادبی: زبان کشیدن: کنایه از «سخن گفتن»

6- گرفتند به اتفاق یک سر / کز کعبه گشاده گردد این در

قلمرو ادبی: در گشاده گردیدن: کنایه از مشکل حل شدن / جناس ناهمسان: سر، در

7- حاجت گه جمله جهان اوست / محراب زمین و آسمان اوست

قلمرو ادبی: جهان: مجاز از مردم جهان / زمین، آسمان: مجاز از همه موجودات، تضاد.

8- چون موسم حج رسید برخاست / اشتر طلبید و محمل آراست

قلمرو ادبی: واج آرای «س» / اشتر طلبید و محمل آراست: کنایه از این که آماده سفر شد

9- فرزند عزیز را به صد جهد / بنشانند چو ماه در یکی مهد

قلمرو ادبی: چو ماه: تشبیه / مهد، جهد: جناس ناهمسان.

10- آمد سوی کعبه سینه پر جوش / چون کعبه نهاد حلقه بر گوش

قلمرو ادبی: سینه: مجاز از دل / چون کعبه: تشبیه / حلقه بر گوش نهادن: کنایه از بندگی کردن / سینه، گوش: تناسب / جناس: جوش، گوش / جانبخشی: در کعبه، حلقه‌ای دارد و شاعر در دنیای خیال خود، کعبه را مانند غلامی می‌داند که حلقه بر گوش دارد به نشانه بندگی و تسلیم بی چون و چرا در برابر اراده پروردگار خود.

11- گفت ای پسر این نه جای بازی است / بشتاب که جای چاره سازی است

قلمرو ادبی: نه جای بازیست: کنایه از اینکه شوخی نیست / واژه آرای: جا، است /

12- گو یا رب از این گزاف کاری / توفیق دهم به رستگاری

قلمرو ادبی: واج آرای «ر»

13- دریاب که مبتلای عشقم / ازاد کن از بلای عشقم

قلمرو ادبی: بلای عشق: اضافه تشبیهی / تضاد: مبتلا، ازاد

14- مجنون چو حدیث عشق بشنید / او ل بگریست پس بخن دید

قلمرو ادبی: بگریست، بخن دید: تضاد

15- از جای چو مار حلقه برجست / در حلقه زلف کعبه زد دست

قلمرو ادبی: چو مان: تشبیه / زلف کعبه: جانبخشی، اضافه استعاری / زلف، دست: تناسب / واج آرایی «ر»

16- می‌گفت گرفته حلقه در بر / کامروز منم چو حلقه بر در

قلمرو ادبی: بیت ذو قافیتین دارد (در، بر/ بر، در) / حلقه در برگرفتن: کنایه از متوسل شدن / بر، در: جناس ناهمسان / «بر» نخست و «بر» دوم: جناس همسان / چو حلقه: تشبیه / واژه آرایی: حلقه / «در» نخست و «در» دوم: جناس همسان / واج آرایی «ر»

17- گویند ز عشق کن جـدایی / این نیست طریق آشنایی

قلمرو ادبی: واج آرایی «ن»، «ی»

18- پرورده عشق شد سـرشتم / جـز عشق مباد سرنویشتم

قلمرو ادبی: جانبخشی: عشق مرا پرورد / واژه آرایی: عشق / واج آرایی «ش»، «س»

19- یارب به خـدایی خـداییت / وانگه به کمال پادشاییت

قلمرو ادبی: واژه آرایی: خدایی / واج آرایی: «ا»، «ی»

20- کز عشق به غـایتی رسانم / کاو ماند اگر چه من نمانم

قلمرو ادبی: واج آرایی «ن»

21- گرچه ز شراب عشق مستم / عاشق نر ازین کنم که هستم

قلمرو ادبی: شراب عشق: اضافه تشبیهی / مستم، هستم: جناس ناهمسان / واج آرایی «ش»

22- از عمر من آنچه هست بر جای / بستان و به عمر لیلی افزای

قلمرو ادبی: واژه آرایی: عمر / تضاد: بستان، افزای

23- می‌داشت پدر به سوی او گوش / کاین قصه شنید گشت خاموش

قلمرو ادبی: واج آرایی: «ش»

24- دانست که دل اسیر دارد / دردی نه دوا پذیر دارد

قلمرو ادبی: واج آرایی: «د» / واژه آرایی: دارد / تضاد: دوا، درد

لیلی و مجنون؛ حکیم نظامی گنجه‌ای

مای دارس

گروه آموزشی عصر

www.my-dars.ir